**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه سی ام\_17 آذر 1398**

بحث منتهی شد به توضیح و شرح فرمایش مرحوم آخوند اعلی الله مقامه در مقدمه چهارم به اصطلاح خود آخوند که طبق شماره شیخ، مقدمه سوم باشد. مهم این است که مرحوم آخوند اعلی الله مقامه در اینجا تصریح می­کند اگر احتیاط اختلال نظام به وجود بیاورد قطعا واجب نیست بلکه حتی جایز نیست. انما الکلام در جایی است که احتیاط عسر و حرج دارد اما اختلال نظام نیست و به حدی نرسیده است که اختلال نظام به وجود بیاید. این جا چه باید کرد؟ این سوال را بگذارید همین جا بماند. پاسخ به این سوال از نظر آقای آخوند مبتنی است بر تفسیر ادله نفی ضرر و فی حرج.

ما الان با بحث خودمان کار ندارم می خواهیم عبارت لا ضرر فی الایلام معنا کنیم و به قول آقای آخوند ادله نفی حرج که گویا زمانش این است که لا حرج فی الدین و لا را هم لای نافیه بگیریم ببینیم منفی چیست. آقای آخوند می فرماید شیخ اعظم طوری معنا کرده است من به گونه دیگر. این دو مبنا تاثیراتی خودداشت از جمله بر بحث ما. صرف یک بحث علمی نیست. شیخ انصاری می گوید لا ضرر فی الاسلام منفی حکم است؛ یعنی حکمی که نشات بگیرد ازش ضرر، ما چنین حکمی در شریعت نداریم.

آقای آخوند می فرماید نه؛ منفی موضوع حکم است، و لا ضرر نفی موضوع است لسانش. موضع ضرر ها تا بر می دانداما حقیقت نفی موضوع نفی حکم است. نفی حکم است به خلاف نفی موضوع

ممکن است کسی بگوید شما فقط با لفظ بازی کردید و نتیجه یکی است. جواب می دهیم که بعضی موارد نتیجه متفاوت است.

شما افرض که لسان نفی حرج هم همن است یعنی لاحرج فی الاسلام.

حال در بحث ما اگر جایی وضو حرجی شد، هر دو تفسیر مشترک هستند هم به تفسیر آقای آخوند و هم به تفسیر مرحوم شیخ دیگر وضوی حرجی واجب نیست اما در بحث ما فرق می کند ما جایی قرار داریم که علم اجمالی داریم به وجود واجبات و محرمات و فرض ما هم انسداد باب علم است و علمی در چنین جایی گفتیم عقل می گوید احتیاط. چون شما علم اجمالی دارید به وجود واجبات و محرمات. پس آن کسی که فرمان به احتیاط می دهد عقل است و عسرو حرج است.. این فرمان عقل بر میخیزد.

شارع که نگفت خود ر ابه حرج بیانداز، شارع تنها گفت وضو بگیر، وضوی بما هو وضو در اینجا حرجی نیست. لذا من اگر بدانم و انسدادی نباشد همین وضو را باید انجام دهم پس احتیاط به فرمان عقل است و ان را شاعر جعل نکرده است تا ان را بردارد. آن چیزی که زمامش در دست شاعر است شارع ان را بر می دارد نه چیزی که در دست شاعر نیست.

حال بیایید سراغ دو مبنا اگر من آخوند باشم می گویم چون معنای لا حرج آن حرجی است که ناشی موضوع باشد، آن موضوعی که قاله الشارع ضرری شد، حرجی شد لا حرج و لا ضرر برش می دارد اما اینجا که موضوع ضرری نیست. حکم عقل به احتیاط شده است حرجی. عسر در اینجا ناشی شده از احتیاط است اما بنابر مسلک حضرت شیخ لاحرج این جا کار دارد وازش کار بر می آید چون گفت هر حکمی که نَشَأَ منه الحرج، من شارع از تو نمی خواهم.

بله این را قبول دارم که این احتیاط اگر به حد اختلال نظام زندگی ما بود احتیاط را کنار می گذاریم.

بله همین جا محقق نائینی یک فرمایش دارد و ان این است که ممکن است بگوییم ادله نفی عسر و حرج بر احتیاط عقلی هم حکومت دارد. به این بیان که عقل می گوید احتیاط کن برای رعایت تکالیف شرعیه. اگر شرعی این ها را نداشت ، عقل هم حکم به احتیاط می کند حال اگر در جایی رعایت احکام شرعیه با احتیاط لازم شد و این احتیاط عسر و حرج بود همان ادله نفی عسر و حرج اینجا هم می آید.

فتکون حکومتها علی حکم العقل بالاحتیاط من شئون حکومتها علی الاحکام الشرعیه. مثل اینکه بر روضه و خود نماز حکومت کند پس بالاخره با واسطه هم شده است امر مبتنی بر احکام شرعی است.

اگر فرمایش محقق نائنی به همین حد باشد اقای اخوند می فرماید اشکال می شود مبنایی. مبنای من این است که لاحرج فقط انجایی است که مستقیم حکم شارع باشد نه با واسطه ان مبنای شیخ است که می گوید چه با واسطه و چه بی واسطه. مگر اینکه بیاییم ان شاء الله بعدا یک نگاه دیگری به ادله نفی حرج داشته باشیم و طوری ادله نفی حرج را معنا کنیم که این اشکالات اساسا از اصل جواب داده شود.

اگر فرمیاش نائینی همین مقدار باشد اقای اخوند حق دفاع دارد و می گوید این شد بحث مبنایی.

اما چه باید گفت بماند فرمایشی محقق اصفهانی دارد مراجعه کنید.

آنی که الان ما می گوییم و در منتقی هم بیان فرموده است که ما اگر هم فرمایش آخوند را در " لاضرر" بپذیریم در بحث خودمان دلیلی بر پذیرشش نداریم چون ما نداریم لا حرج فی الاسلام این که ما داریم ماجعل علیکم فی الدین من حرج است. پس این آیه کریمه می خواهد هر حکم شرعی را که نشا منه الضرر بردارد لسان لا ضرر اگر همانی باشد که اخوند می گوید لسان ادله نفی حرج این است که نفی موضوع می کند.

البته ما یک تعلیقه ایی داریم ان شاء الله خواهید دید که ما این ادله را همه را با هم معنا می کنیم و نمی آییم این ها را یکی یکی معنا کنیم. ما در یک مجموعه این ها را خواهیم دید.

مرحوم محقق اصفهانی و به تبع ایشان منتقی الاصول در انجا یک فرمایشی دارند، مرحوم محقق اصفهانی دو تا مطلب دارد:

1. می گوید عسر و حرج در امتثال تکلیف نیست، عسرو حرج در تحصیل علم است به امتثال تکلیف. هر آن عسر وحرجی که در امتثال تکلیف باشد شارع برش می دارد اما هر آن عسر و حرجی که به دلیل قاعده اشتغال ذمه یقینی، برائت یقینی می خواهد برای این باشد که من علم به حصول تکلیف پید اکنم ادله نفی عسر و حرج چنین جایی نمی آید.

هر آن جا که امتثالت حرجی شد ما جعل علیکم فی الدین من حرج. هر آنجا که تکلیف داشتی و علم به این که امتثال تکلیف شده است یا نه؟ نداشتی، احتیاط می کردی که برائت یقینی حاصل کنی اینجا ادله نفی عسر و حرج نمی آید بحث علم به امتثال است در یک تکلیف مثل نماز.

1. بر فرض تنزل بحث ما جایی است که کسی بخواهد در نمازش همه محتملات را بیاورد در روزه اش و حج و ... همه محتملات را بیاورد این می شود حرجی . وقتی بخواهد در ان مجموعه احتیاط کند این می شود حرجی. ادله نفی عسر و حرج اینجا جاری نیست. این مثل این است که کسی روزه همه ماه رمضان را گرفتن برایش حرجی است ایا این معنایش این ایت که پس روز اول را نگیرد تا اخر ماه رمضان ؟ یا نه باید بگیرد تا وقتی که نتواند بگیرد؟ بحث ما اینجاست. نگویید ما جعل علیکم فی الدین من حرج پس نه احتیاط در وضو نه احتیاط در روزه و هیچ کدام از این ها لازم نیست. بگوییم این قدر باید احتیاط بکنید تا به حرج بیافتید.

ما ان شاء الله یک جمع بندی بکنیم و ان شاء الله حرف اساسی خودمان را هم خواهیم گفت.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.